

# Revisiting the Historic Garden City of Ramhormoz Based on the Analysis of a 1956 Aerial Photograph and Oral Narratives

Sajad Moazen<sup>1</sup>

## Abstract

In addition to its well-known historic cities, Iran encompasses numerous forgotten historic cities. While most of these cities lack cohesive historical urban fabric, visual documents—particularly the 1956 aerial photographs—and oral history provide valuable accounts of these cities.

**Purpose:** Revisiting these cities based on documented evidence offers the potential to revive authentic traditions of living in Iran's diverse climates. This study focuses on rediscovering the original state of Ramhormoz and its neighborhood system.

**Method and Research Design:** This research adopts an interpretive-historical approach, relying on the 1956 aerial photograph and oral narratives from individuals who recall the city's original state prior to the interventions initiated in 1960. The research progresses by correlating oral accounts with the physical features observable in the aerial photograph.

**Findings & Conclusion:** Located in the eastern part of Khuzestan Province, Ramhormoz is a city with a longstanding history of settlement. Its warm, semi-humid climate with prolonged summers significantly influenced its urban structure, resulting in a city surrounded by fruit orchards and characterized by houses with diverse subterranean spaces. Before modern interventions, the city exhibited a garden-city structure, deeply integrated with the surrounding orchards. The study identifies and maps the boundaries of the city's original neighborhoods and the surrounding gardens.

**Keywords:** Revisiting; Ramhormoz; Neighborhood Structure; 1956 Aerial Photograph; Oral Narratives.

**Citation:** Moazen, S. (2024). Revisiting the Historic Garden City of Ramhormoz Based on the Analysis of a 1956 Aerial Photograph and Oral Narratives. *Ganjine-ye Asnad*, 34(2), 6-36. doi: 10.30484/ganj.2024.3153

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Assistant Professor, Department of Renovation, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

sajadmoazen@iust.ac.ir

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«134»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2024.3153

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol: 34, No: 2, Summer 2024 | pp: 6 -36 (31) | Received: 26, Apr. 2024 | Accepted: 16, Jun. 2024

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

## بازخوانی باغ شهر تاریخی رامهرمز براساس تطبیق عکس هوایی سال ۱۳۳۵ با اقوال شفاهی

سجاد مؤذن<sup>۱</sup>

### چکیده:

سرزمین ایران علاوه بر شهرهای تاریخی شناخته شده، دارای تعداد زیادی شهرهای تاریخی فراموش شده است. عمده این شهرها بافت تاریخی منسجمی ندارند؛ ولی اسناد تصویری - و مهم ترین آن ها عکس های هوایی سال ۱۳۳۵ ش - و هم چنین اقوال شفاهی، راوی این شهرهای تاریخی اند.

**هدف:** بازخوانی این شهرها براساس مستندات، امکان احیاء سنت های اصیل زیست در اقلیم های مختلف سرزمین ایران را فراهم می کند. موضوع مقاله حاضر بازخوانی وضعیت اصیل شهر رامهرمز و نظام محله بندی آن است.

**روش/رویکرد پژوهش:** در این مقاله از روش تحقیق تفسیری-تاریخی استفاده شده است. مستندات استفاده شده در این تحقیق عکس هوایی سال ۱۳۳۵ و اقوال شفاهی کسانی است که وضعیت اصیل شهر -پیش از مداخلات شروع شده از سال ۱۳۳۹- را به یاد می آورند. پیش برد تحقیق با انطباق اقوال شفاهی با وضعیت کالبدی مشهود در عکس هوایی انجام شده است.

**یافته ها و نتیجه گیری:** شهر رامهرمز واقع در شرق استان خوزستان، یکی از شهرهایی است که سابقه تاریخی سکونت دارد. آب و هوای گرم و نیمه مرطوب و تابستان های طولانی بر ساختار این شهر تأثیری اساسی داشته و شهری احاطه شده با باغ های میوه و خانه هایی با فضاهای زیرزمینی متنوع را ایجاد کرده است. این شهر تا پیش از مداخلات قرن حاضر دارای ساختاری باغ شهری براساس پیوندهای کالبد شهر با باغات پیرامون خود بوده است. حاصل این تحقیق بازشناسی و ترسیم مرز محلات اصیل شهر و باغ های پیرامون شهر است.

**کلمات کلیدی:** بازخوانی؛ رامهرمز؛ محله بندی؛ عکس ۱۳۳۵؛ اقوال شفاهی.

**استناد:** مؤذن، سجاد. (۱۴۰۳). بازخوانی باغ شهر تاریخی رامهرمز براساس تطبیق عکس هوایی سال ۱۳۳۵ با اقوال شفاهی. گنجینه اسناد، ۳۴(۲)، ۶-۳۶ | ۳۶-۶/۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴,۳۱۵۳ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴,۳۱۵۳

۱. استادیار گروه مرمت دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

sajadmoazen@iust.ac.ir



### گنجینه اسناد

۱۳۴

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۴,۳۱۵۳

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۴، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۳ | صص: ۶-۳۶ (۳۱)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۲۷

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

ایران دارای شهرهایی تاریخی با مقیاس‌های متفاوت و معماری متنوع است. دوربودن برخی از این شهرها از مرکز و نداشتن بنا یا بافتی با ویژگی‌های شاخص و مهم‌تر از این دو دلیل، تغییرات زیاد تحمیل شده بر چهره این شهرها در دهه‌های اخیر باعث شده است تا این شهرها کمتر دیده شوند. با توجه به سابقه کهن و دارای استمرار شهرنشینی در سرزمین ایران، کمتر شهری در ایران یافت می‌شود که «شهر تاریخی» نباشد؛ ولی این که از مصادیق کالبدی و معمارانه آن شهرها چه اجزائی باقی مانده است و یکپارچگی بافت آن‌ها - که حاصل تجربه زیست انسان ایرانی در اقلیم‌های متنوع این سرزمین است - تا چه حد حفظ شده است، به تحولات دوره مدرن وابسته است. قرن ۱۴ هجری شمسی برای بافت‌های تاریخی شهرهای ایران، تحولات فراوانی در پی داشت که عمده این تحولات با تخریب همراه بودند. ورود خودرو به شهرها و ساخت خیابان‌های مورد نیاز آن، کوشش برای صنعتی شدن، افزایش جمعیت، کوچ از روستا به شهر و البته بسیاری از عوامل دیگر که خارج از حدود پژوهش حاضر است، در بسیاری از شهرها پیوستگی بافت تاریخی را از هم گسیخت. براساس میزان تغییرات حاصل از تخریب، طیف وسیعی از شهرهای تاریخی را می‌توان برشمرد؛ از شهرهای تاریخی دارای بافت تاریخی منسجم و تغییرات اندک تا شهرهایی که به جز چند بنای دور از هم، نتوانسته‌اند شاهدی کالبدی از شهر تاریخی پیشین حفظ کنند.

مسئله مقاله حاضر درباره شهرهای انتهای طیف فوق‌الذکر شکل گرفته است؛ شهرهایی که شواهد کالبدی محدودی از تاریخی بودن آن‌ها باقی مانده است. آنچه ریخت شهرهای تاریخی ایران را - با اعمال قوه قهریه و نیرویی از خارج و نه براساس سیری تدریجی و میل حیاتی درونی - به تغییرات اساسی دچار کرد، تلاش برای جبران عقب‌ماندگی پیشین و متجدد کردن ایران سنتی بود. از مهم‌ترین ابزارهای این تلاش که بر ریخت شهرها مستقیماً تأثیر داشت موارد زیر است:

احداث کارخانه در محیط پیرامون شهر؛

احداث خیابان و تسهیل دسترسی در بافت درون شهر؛

احداث بناهای مدنی مدرن از جمله بانک ملی، ایستگاه راه‌آهن، شهرداری.

بازخوانی ریخت اصیل شهرهای تاریخی اولین گام در جهت شکل‌گیری فهم و شناخت تضمین‌کننده حفاظت از باقی‌مانده‌های آن شهر است. برای این بازخوانی رجوع به مستندات کالبدی موجود کافی نیست؛ چراکه بخش عمده شهر از بین رفته است و تک‌بناهای باقی‌مانده در بهترین حالت ممکن امکان استخراج الگوهای بومی معماری را فراهم می‌کنند و خوانش روابط بین اجزاء در مقیاس همسایگی و ساختار شهر و پیوندهای



آن با اجزاء و محیط طبیعی پیرامون، با بررسی وضع موجود ممکن نیست. بر همین اساس سه گونه مستندات دیگر دارای اهمیت می‌شوند: مستندات تصویری تاریخی -به‌ویژه عکس هوایی سال ۱۳۳۵ هجری شمسی (که از این‌پس به‌اختصار عکس ۳۵ خوانده می‌شود)؛ مستندات مکتوب؛ و مستندات شفاهی. میزان بهره‌برداری از هر کدام از سه گونه مستند ذکر شده و چگونگی برقراری پیوند بین آن‌ها متناسب با هر شهری تغییر می‌کند؛ به‌همین دلیل در این مقاله نمونه‌ای موردی -شهر رام‌هرمز در استان خوزستان- انتخاب شد تا با انجام مسیر پژوهش در این شهر چگونگی حصول قرائتی جامع از وضع اصیل شهر تاریخی روشن شود. شهرهای مدنظر پژوهش حاضر شهرهای کوچکی‌اند که در بین صاحب‌نظران و جامعه حرفه‌ای کمتر به‌عنوان شهر تاریخی شناخته می‌شوند و تابه‌حال جایگاهی در مطالعات تاریخ معماری ایران نداشته‌اند. شهری که در عکس ۳۵ مشاهده می‌شود، دیگر به این شکل وجود ندارد؛ ولی این شهر در ذهن اشخاصی که زیستن در آن را تجربه کرده‌اند موجود است؛ برای نمونه هنوز برای معرفی قدیمی‌های شهر، اهل کدام محله بودن مطرح می‌شود. براساس آنچه ذکر شد مسیر پژوهش حاضر در پاسخ به پرسش‌های زیر شکل گرفته است:

چگونه می‌توان بنیان‌های اصیل شکل‌دهنده به ساختار شهر و نظام محله‌بندی شهرهای تاریخی را که به تغییرات اساسی دچار شده‌اند- با پیوند بین مستندات بازخوانی کرد؟  
براساس اسناد تصویری، مکتوب و شفاهی، رام‌هرمز اصیل و نظام محله‌بندی آن چه وضعیتی داشته است؟

بازخوانی وضع اصیل شهرها از این جهت دارای اهمیت است که راوی شکل پایدار زیست در اقلیم‌ها و خرده‌اقلیم‌های مختلف ایران است. وضع فعلی شهرها و چگونگی بهره‌گیری از منابع طبیعی و مشکلات زیست‌محیطی حاصل از آن، لزوم برقراری زیستی متعامل‌تر و پایدارتر با بستر را ایجاد می‌کند و از آنجاکه تجربه زیستن دیرینه انسان ایرانی، حاوی راه‌کارهایی ماندگار در این زمینه است، رجوع به درس‌هایی از وضع اصیل شهرنشینی در سرزمین ایران را لازم می‌کند.

## ۲. روش تحقیق

این پژوهش را روش تحقیق تفسیری تاریخی شکل می‌دهد. این تحقیق را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: کاوش پدیده‌های اجتماعی-کالبدی در درون سیاق‌های پیچیده، با عنایت به توضیح آن پدیده‌ها به‌صورتی روایی. این تحقیق با شناسایی داده‌ها و قرائن شروع می‌شود و با سامان‌دهی و سپس ارزیابی و تحلیل ادامه می‌یابد و در نهایت به تفسیر ختم می‌شود.



ژان پیر پرتزن<sup>۱</sup> در مجله «جامعه مورخان معماری»<sup>۲</sup> شگردهایی را برای دست‌یابی، انطباق و راستی‌آزمایی اطلاعات در روش تحقیق تفسیری-تاریخی ارائه کرده‌است: ۱- آشنایی میدانی و شناخت پیشینی؛ ۲- استفاده از اسناد تاریخی و متون باقی‌مانده؛ ۳- معاینه و بررسی اطلاعات در محل؛ ۴- قرائن مادی و بررسی آثار باقی‌مانده؛ ۵- مطالعه تطبیقی؛ ۶- استفاده از منابع خبری محلی و فرهنگ بومی (تاریخ شفاهی)؛ ۷- اجرای مجدد، استشهاده (آزمودن آموخته‌ها در محل)؛ ۸- تعیین پرسش‌های باقی‌مانده.

یکی از عناصر هر روایت پرمایه تاریخی بیان این است که با وجود قرائن موجود، چه چیزهایی را نمی‌دانیم (قیومی، ۲۰۰۴، صص ۹۰-۹۶). مسیر کلی مذکور برای هر نمونه‌ای باید متناسب با مستندات، امکانات و وضعیت موضوع پژوهش به‌روزرسانی شود.

ابزار مورد استفاده در این مقاله دو نوع مستند است:

یکی از مهم‌ترین مستنداتی که می‌تواند در این بازخوانی نقش مهمی ایفا کند، عکس‌های هوایی قدیمی<sup>۳</sup> به‌ویژه عکس‌های سال ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ است. این عکس‌ها به قبل از تحولات عمده در ساختار جمعیتی و کالبدی شهرها مربوطاند و به‌غیر از چند خیابان‌کشی در بافت تاریخی شهرهای بزرگ و احداث بناهای مدنی در پیرامون بافت، وضع اصیل شهرها حفظ شده‌است. البته همین تغییرات جزئی هم در شهرهای کوچک‌تر دیرتر از شهرهای بزرگ‌تر رخ داده‌است و بر همین اساس عکس‌های سال ۳۵ از شهرهای کوچک‌تر وضعیتی دست‌نخورده‌تر و اصیل‌تر را ارائه می‌دهند.

در فرایند تفسیر عکس‌های هوایی، مفسر معمولاً هفت کار را انجام می‌دهد: ۱- آشکارسازی پدیده‌هایی که به‌طور مستقیم مرئی هستند؛ ۲- شناسایی و تشخیص: در این عملیات مهم، پدیده‌های مختلف، به نام مشخص می‌شوند و مفسر در آن از هشت عامل رنگ، تن، بافت، الگو یا نقش، مکان و موقعیت جغرافیایی، شکل، سایه، و اندازه بهره می‌برد؛ ۳- تحلیل؛ ۴- قیاس؛ ۵- طبقه‌بندی؛ ۶- ایده‌آل‌سازی؛ ۷- تعیین صحت (رضوانی، ۱۳۸۹، ص ۴).

تاریخ شفاهی و اقوال ساکنان این شهرها در توصیف وضع اصیل آن، نشان از ساختاری شکل‌یافته در هم‌آهنگی با محیط و براساس فهم بستر و اقلیم دارد. دقت زیاد، جزئیات فراوان، شناخت دانه‌به‌دانه اجزاء بافت تاریخی و تطابق با مستندات تصویری موجود و تعلق خاطر راویان، باعث می‌شود تا رجوع به مستندات شفاهی تنها راه بازشناسی بهترین مستند تصویری باقی‌مانده از وضع اصیل شهر عکس هوایی سال ۳۵- باشد.

برقراری پیوند بین مستندات شفاهی و اقوال ساکنان وضع اصیل بافت با مستندات تصویری عکس هوایی، امکان بازخوانی و بازترسیم وضع اصیل شهرهای تاریخی فراموش شده را فراهم می‌کند. این اقدام نیازمند فرایندی رفت‌وبرگشتی بین دو گونه مستند است.

1. Jean-Pierre Protzen

2. Journal of the society of architectural historians

۳. سری اول عکس‌برداری پوششی ایران را سال ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ شرکی آمریکایی در مقیاس ۱:۵۰۰۰۰ انجام داد. سری دوم را از سال ۴۲ تا ۴۸ سازمان نقشه‌برداری کشور با مقیاس ۱:۲۰۰۰۰ انجام داد. دهه چهل را می‌توان دهه شکوفایی درجهت اطلاعات مکانی ایران نامید که با انقلاب سفید در سال ۱۳۴۱ و واگذاری زمین‌های کشاورزی به کشاورزان همراه بود و به‌همین دلیل در سطح کشور عکس‌برداری انجام شد. در سال ۱۳۷۲ پروژه عکس‌برداری پوششی از کل کشور با هدف به‌روزرسانی نقشه‌های کشوری شروع شد و تا سال ۱۳۸۴ ادامه داشت (قربانی، ۲۰۲۲).



### ۳. یافته‌ها

نمونه موردی پژوهش حاضر شهر رام‌هرمز در شرق استان خوزستان در فاصله ۹۰ کیلومتری اهواز است. موقعیت جغرافیایی خاص این شهر در کوهپایه‌های جنوبی رشته‌کوه زاگرس در حوزه آب‌رفتی رودخانه اعلی، آب شربی مناسب و خاکی حاصلخیز فراهم کرده است و به همین دلیل این شهر دارای سابقه سکونت کهن است. در حال حاضر کشاورزی از مهم‌ترین مشاغل شهر محسوب می‌شود و همین موضوع هیئت کلی پیرامون شهر را نسبت به وضع اصیل آن دستخوش تغییر کرده است.



#### تصویر ۱.۱

در سه مقیاس، موقعیت شهر در استان، ارتباط شهر با محیط طبیعی پیرامونش، و محدوده کابندی و کشاورزی پیرامون شهر مشخص شده است.



#### تصویر ۱.۲

در سه مقیاس، موقعیت شهر در استان، ارتباط شهر با محیط طبیعی پیرامونش، و محدوده کابندی و کشاورزی پیرامون شهر مشخص شده است.





### تصویر ۱.۳

در سه مقیاس، موقعیت شهر در استان، ارتباط شهر با محیط طبیعی پیرامونش، و محدوده کالبدی و کشاورزی پیرامون شهر مشخص شده است.

رامهرمز و بستر کشاورزی پیرامون آن با رنگ قرمز و اهواز با رنگ زرد و در پائین تصویر خلیج فارس؛ امتداد رشته کوه زاگرس با راستای شمال غربی جنوب شرقی، عبور رودخانه اعلی و بستر آبرفتی حاصل از آن، پهنه سبز پیرامون شهر؛ بافت شهر و محیط سبز پیرامون آن.

### ۴. سابقه تاریخی رامهرمز

براساس کاوش‌های باستان‌شناسی در دهه چهارم تا پنجاه هجری شمسی در تُل بُرمی رامهرمز که سبب کشف ساختمانی با آجرهایی به ابعاد ۴۰ در ۴۰ سانتی‌متر شد، تمدن شهرنشینی در رامهرمز به هزاره سوم قبل از میلاد «دوره عیلامی میانه» می‌رسد. در کاوش‌های باستان‌شناسی بعدی که دونالد مک‌کاون از مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۴۸ و عباس علی‌زاده در سال ۲۰۰۶ میلادی (Whitcomb, 1971, p22; Alizadeh, 2014, pp 53-) در تُل گسر (در ۲۰ کیلومتری شمال غرب رامهرمز) انجام دادند، الواح و سفال‌های دوران آغازین عیلامی ظاهر شد (واندنبرگ، ۱۳۷۹). در اواسط سال ۱۹۶۰ به دنبال تسطیح بخش‌هایی از تُل بُرمی -یکی از مهم‌ترین محوطه‌های عیلامی دشت رامهرمز علی‌اکبر سرفراز از مؤسسه باستان‌شناسی ترانسه‌ای آزمایشی در این محوطه ایجاد کرد (مهران‌پور و دیناروند، ۱۳۹۰). با جدیدترین کاوش‌های باستان‌شناسی در تُل جویجی (در ۷ کیلومتری جنوب شرق رامهرمز) و کشف دو تابوت عیلامی، پنج حلقه قدرت و دیگر کشفیات

۱. تل در زبان محلی به معنی تپه است. این تپه در خارج از شهر، در سمت جنوب در روستایی به همین نام قرار دارد. تل برمی در سال ۱۳۴۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.



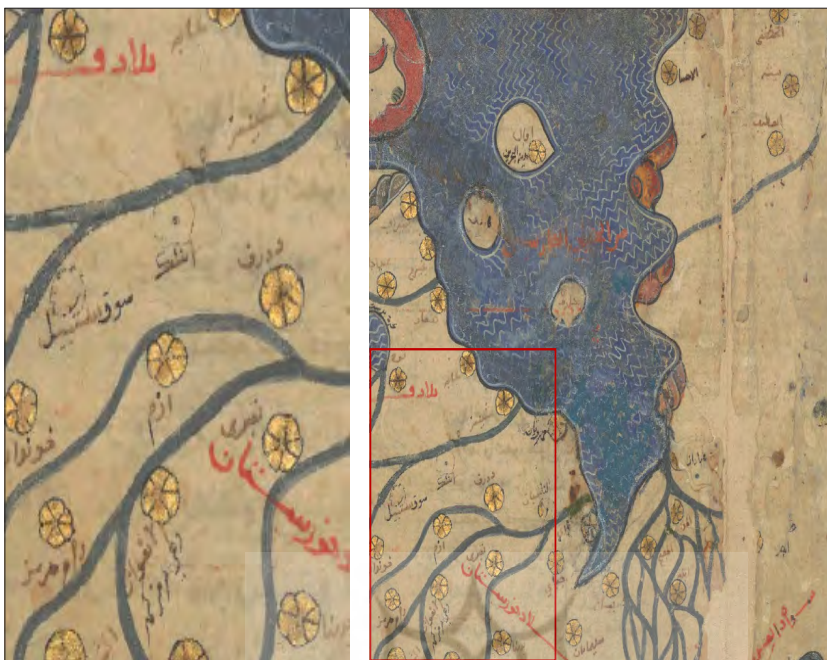
باستان‌شناسی و با ترجمه خطوط میخی عیلامی حلقه‌های پیداشده، معلوم شد که شهر رام‌هرمز حاکم‌نشین عیلامی شهرهای هم‌جوار خود بوده‌است (رام‌هرمز‌شناسی و مطالعات تاریخی خوزستان، ۱۳۹۸)؛ (Miller & Abdi, 2003, pp 65-82).

علاوه بر کاوش‌های باستان‌شناسی، در اسناد تاریخی نیز می‌توان شواهدی از حیات رام‌هرمز یافت. یاقوت حموی (۵۷۴-۶۲۶ق) می‌گوید که رام‌هرمز متشکل از دو کلمه رام (به پارسی یعنی مقصود) و هرمز (نام یکی از خسروان ساسانی) است. «رام‌هرمز از شهرهای خوزستان است که هم خرما و هم گردو و ترنج دارد و چنین میوه‌های سردسیر و گرمسیر در یک‌جا جمع نمی‌شود و دیگر شهرهای خوزستان چنین ویژگی‌ای ندارند» (حموی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۹۵). ابن‌بلخی مورخ نیمه اول قرن ۶ ق مؤلف فارس‌نامه، ضمن شرح حال هرمز ساسانی، می‌نویسد: «اندر آن مدت که زیست، بسیار آثار خوب پدید آورد و از جمله آثار او رام‌هرمز خوزستان است» (ابن‌بلخی، ۱۳۸۵، صص ۶۳-۶۴). محمدتقی بهار، مصحح تاریخ سیستان (تألیف در حدود قرن ۵ تا ۸) می‌گوید: «موسی اشعری گندی‌شاپور، شوش، رام‌هرمز، شوشتر، سپهان، قم، کاشان [را]، چه به نامه و صلح و [چه] به حرب بگشاد» (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۷۵). مؤلف کتاب مجمل‌التواریخ و القصص (درباره تاریخ جهان از زمان خلقت تا ۵۲۰ق) ضمن شرح پادشاهی هرمزد بن نرسی، می‌نویسد: «از عمارات روستایی به ناحیت رام‌هرمز آباد کرد و آن را بهشت هرمزد نام نهاد و آن ناحیت میان ایذج است و رام‌هرمز، و هنوز آباد است» (بهار، ۱۳۸۴، ص ۵۴). «رام‌هرمز قصبه‌ای است بزرگ دارای بازارهای آباد و پربرکت، [مسجد] جامعی نیز روشن و بسیار زیبا دارد. عضدالدوله برایش بازاری ساخته که من به از آن ندیده‌ام، پاکیزه [و] ظریف، آینه‌کاری، سنگ‌فرش و نقاشی شده‌است. دروازه‌ها دارد و در بازار بزازان قیسریه‌هایی<sup>۱</sup> زیبا هست. مردم از جوی‌ها و چاه‌ها می‌آشامند. جوی‌ها به‌نوبت [از نهرهای بیرون شهر] پر می‌شوند. نخلستان‌ها و باغ‌ها، شهر را فرا گرفته‌است؛ مانند بصره کتاب‌خانه‌ای دارد که کارمندانش در خدمت واردان، کتاب‌خوانان و کتاب‌نویسان هستند. نمازگاه عید در کنار شهر در میان خانه‌ها افتاده‌است. شهری زیبا است؛ ولی مردم در شب‌های تابستان از بسیاری پشه به کله [پشه‌بند] نیاز دارند» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۶۱۷). رام‌هرمز در سده ۴ق به سبب کرم ابریشمی که در آن به‌عمل می‌آمد و به دیگر نقاط صادر می‌شد، شهرتی جهانی داشت. «به رام‌هرمز جامه‌های ابریشم خیزد» (اصطخری، ۱۳۹۷، ص ۹۲؛ میرسالاری، ۱۳۹۰).

۱. قیسریه (قیصریه): بازار بزرگ؛ راسته بازار

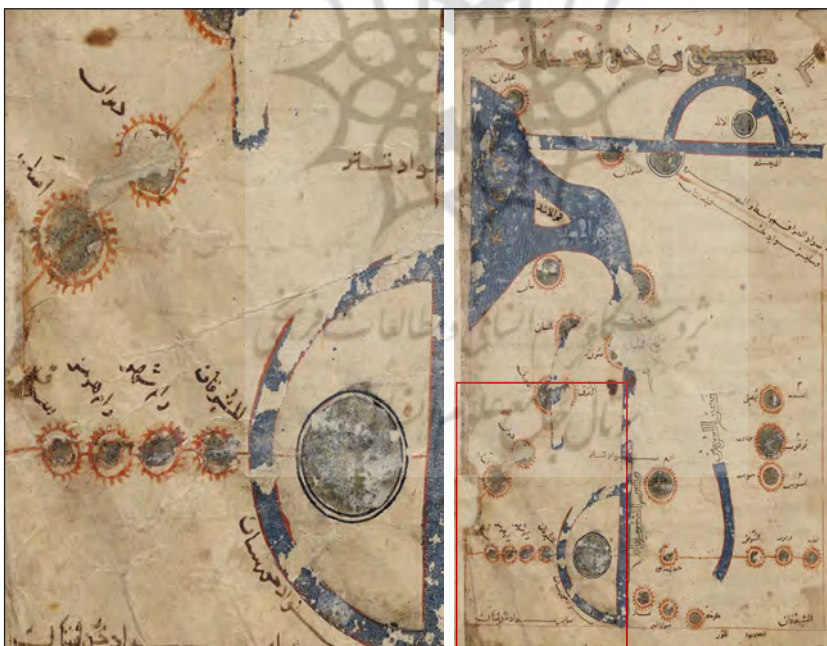






### تصویر ۲

نقشه‌ای از خلیج فارس از کلودیوس تولومائوس (Claudius Ptolomaeus) در ۱۴۷۸ میلادی. الخلیج الفارسی و بلاد خوزستان و هم‌چنین نام شهر رام‌هرمز در سمت چپ پائین تصویر مشخص است (Harding, ۲۰۲۲).



### تصویر ۳

نقشه‌ی ترسیم‌شده توسط اصطخری در قرن ۴ ق. رام‌هرمز در سمت چپ پائین تصویر مشخص است (اصطخری، ۱۳۹۷، ص ۸۹).

لازم به ذکر است که در نقشه‌ی ادریسی (متوفی در سال ۵۶۰ق) ترسیماتی مشابه ترسیم تصویر ۲ وجود دارد.

## تصویر ۴

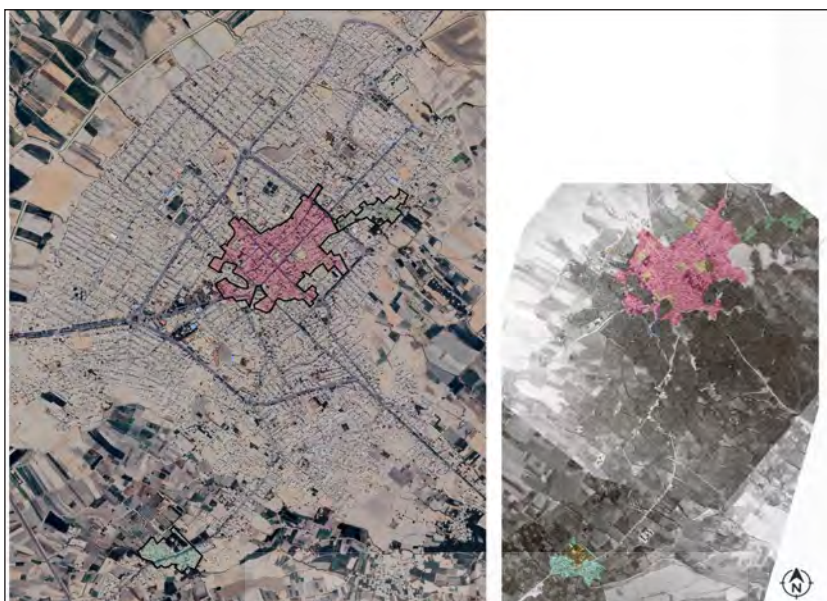
ترسیمات ادیسی که توسط میلر یکپارچه شده است.



## ۵. وضعیت کالبدی شهر

ارائه مختصری از اهمیت تاریخی شهر رامهرمز بر لزوم مطالعه ساختار تاریخی شهر تأکید دارد. سابقه طولانی سکونت، موقعیت مهم و نقش ارتباط‌دهنده شهرهای اطراف و مهم‌تر از این‌ها خاک حاصلخیز، رامهرمز را در قرون اخیر به سکونت‌گاهی باکیفیت برای زیست تبدیل کرده است. توصیفی که به‌طور کلی از آخرین وضع اصیل شهر براساس اقوال شفاهی و مشاهده عکس هوایی تاریخی می‌توان ارائه داد شهری دارای هسته کالبدی منسجم است که در لبه‌ها با باغ‌های پیرامونی پیوند خورده و همین پیوند عناصر کالبدی با عناصر طبیعی، مرزی غیرهندسی و دارای اعوجاج‌های فراوان را بین بناها و باغ‌ها به وجود آورده است؛ به‌نحوی که محدوده شهر را نه بارو و خندق، بلکه مرز بنا و باغ تعیین می‌کند. منبع تأمین آب شهر رودخانه اعلا در سمت شرق و جوی‌های منشعب‌شده از آن به سمت شهر است. رودخانه اعلاء شعبه شرقی رودخانه رامهرمز است که از کوه‌های منگشت در شمال شرقی سرچشمه می‌گیرد و سپس به رودمارون و در نهایت به خلیج فارس می‌ریزد (شیشه‌گر و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳۱)؛ (رجوع به تصویر ۱). نکته مهمی که در تصویر ۶ نشان داده شده است، اهمیت و اولویت باغ‌ها در بهره‌بری از آب است؛ اول باغ‌ها، بعد شهر و پس از آن مزارع از آب بهره می‌برند. فضای بعد از مزارع در سمت غرب عمدتاً برکه‌ها و آب‌گیرهایی است که در ادامه مسیر جوی‌ها ایجاد شده‌اند.

افزایش جمعیت شهر در دهه ۶۰ که عمدتاً حاصل کوچ روستانشینان از دهه ۵۰ به بعد به شهر بود، نه تنها ساختار این شهر اصیل را در کل و جزء به تغییر اساسی دچار کرد و به بیان بهتر از بین برد بلکه با توسعه به همه جهات پیرامون خود، پیوندهای تاریخی طبیعی شهر را گسست و همه باغات و مزارع پیرامون شهر را به محلات مسکونی تبدیل کرد. در این تحولات، محلات اقماری (شرح آن‌ها در ادامه مقاله خواهد آمد) و روستاهای نزدیک شهر به شهر پیوستند و هویت مستقل خود را از دست دادند.



تصویر ۵

تطبیق عکس هوایی ۱۳۳۵ و وضع موجود

آنچه از تصویر وضع موجود شهر مشخص است اینکه تقریباً همه باغات پیرامون شهر در توسعه کالبدی از بین رفته‌اند. لازم به ذکر است که دو تصویر هم‌مقیاس‌اند.

## ۶. بحث و تحلیل

### ۶.۱. تطابق عکس هوایی ۱۳۳۵ و اقوال شفاهی

عکاسی‌های هوایی با نمایش وضع اصیل شهرها، تخریب حاصل از گذر زمان و مدرن‌شدن شهرها را نمایش می‌دهند و بین بینندگان با رویدادهایی که عکس‌ها شاهد آن هستند ارتباط ایجاد می‌کنند (DERIU, 2004, p54; Roth et al, 1997, pp29-31). اقوال شفاهی درباره بافت تاریخی شهر رام‌هرمز مبتنی بر ابنیه و باغاتی است که تقریباً همه آن‌ها دیگر وجود کالبدی ندارند؛ بنابراین گویی با دو شهر مواجه هستیم: یکی شهر موجود و دیگری «شهری که بود» (همان‌طور که در تصویر ۵ مشخص است). از «شهری که بود» به جز همین اقوال شفاهی، مستندات بسیار محدودی از جمله عکس ۳۵ و چند عکس شخصی که عموماً در جلوی تصویر فردی حالت «آماده به عکس» به خود گرفته است و در پس‌زمینه بخشی از شهر اصیل مشخص است در دسترس است. البته در عکس ۳۵ تقریباً همه آن بناها و باغات قابل مشاهده‌اند.

در اینجا لازم است تا بخشی از مسیر بازخوانی وضع اصیل شهر براساس تطبیق عکس ۳۵ و اقوال شفاهی شرح داده شود. در اقوال شفاهی افرادی که در سکونت در وضع اصیل شهر سابقه داشته‌اند متولدین دهه ۲۰ و ۳۰ و حتی ۴۰ از بناها و باغ‌هایی

اسم برده می‌شود که امروزه کاملاً از بین رفته‌اند؛ ولی نقش مهمی در ساختار اصیل شهر ایفا می‌کرده‌اند و بازشناسی آن‌ها برای فهم ساختار اصیل شهر لازم است. از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: طاق نصرت ساسانی شهر؛ دو راسته بازار سرپوشیده و تیمچه در محل تقاطع آن‌ها؛ سرای سرباز؛ حمام‌ها؛ آسیاب‌ها؛ باغ‌های متعدد میوه انار، زردآلو، انگور، مرکبات، سیب ترش و توت به‌عنوان عمده‌ترین محصولات - در پیرامون و پیوسته به شهر مثل باغ انار و زردآلوی علم‌دار؛ و یکی از اجزاء پرکاربرد و پرتکرار در خانه‌های شهر در اقوال شاهی با عنوان شوادان. علاوه بر اجزاء اصلی زیرساختی شهر، در بازترسیم مرز محلات شناخت دانه‌به‌دانه خانه‌ها با رجوع به ساکنان قدیمی هر محله امکان‌پذیر است.

اطلاعات پراکنده و بعضاً متناقض شفاهی در اقوال مختلف، برای انطباق با عکس ۳۵ به طی فرایندی نیازمند بود. مسیر دستیابی به نتیجه با در نظر گرفتن شگردهای پرتن - مطرح شده در بخش روش تحقیق طبق گام‌های زیر طی شد:

- گردهم‌آوردن تعدادی از اشخاصی که در وضع اصیل شهر زیسته بودند؛
- نمایش عکس هوایی سال ۳۵ بر روی صفحه‌نمایش بزرگ و خوانا؛
- انتخاب معیار کالبدی به‌عنوان نقطه مبنا: به دلیل این که هیچ‌کدام از خیابان‌ها و میدان‌های امروز شهر نشانه‌هایی که برای خوانش شهر استفاده می‌شوند - در وضع اصیل وجود نداشته‌اند، ابتدا باید نشانه‌ای شاخص، به‌عنوان معیار انتخاب می‌شد.
- شاخص‌ترین عنصر کالبدی در عکس هوایی ۳۵، راسته بازار شهر بود؛
- تطابق خیابان‌های امروز با گذرهای اصیل و میدان‌های امروز با واژگانه‌ها؛
- شناسایی بناها و باغ‌های شاخص دیگر به کمک نقطه مبنا و نشانه‌های کالبدی و پوشش گیاهی؛

- شناسایی خانه‌هایی که هر کدام از اشخاص حاضر در آن زندگی کرده‌اند؛
- شناسایی پلاک‌به‌پلاک: یکی از خصیصه‌های زندگی در شهرهای کوچک اصیل در گذشته، گستره معنای همسایگی به وسعت خانه‌های شهر بود. در شهر کوچک همه، یکدیگر را می‌شناسند. بازبودن در خانه‌ها در طول روز یکی از بارزترین علامات این آشنایی است. در این خوانش براساس اصل مذکور اکثر پلاک‌ها شناسایی شدند؛
- احیاء و استخراج تاریخ شفاهی فراموش شده: در روند بازخوانی و پس از تسلط حاضران به عکس هوایی ۳۵، این مدرک تصویری بستری برای بازفراخوانی نحوه زیست و خاطرات جمعی و فردی حاصل از آن شد.

حال که حاضران با مقیاس عکس هوایی و نشانه‌های آن آشنا شده بودند - دیوار و بلندای آن براساس سایه، گذر، انواع طاق، درخت، آب، زمین کشاورزی، حیاط خانه‌ها -

امکان سفر مجازی به شهر فراهم شد و خاطرات فراموش شده به کمک پلان محل شکل‌گیری شان به یاد آورده شدند.

## ۶.۲. محلات شهر

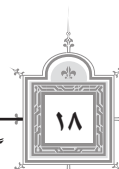
محله به عنوان اصلی‌ترین مفهوم شکل‌دهنده به بافت، تقسیمات کالبدی و اجتماعی شهر را ایجاد می‌کند (مشهور، ۱۳۹۸، ص ۲). دربارهٔ بازشناسی و بازترسیم محلات شهر نکته مهم حاصل شده در مسیر پژوهش وجود **مرز دقیق محلات** است. برخلاف تصور رایج که حاصل شناخت ناقص ما از وضع اصیل محله است مرز بین محلات در شهرهای تاریخی به دقت پلاک مشخص است. در مصاحبه با مطلعان از وضع اصیل شهر و براساس تجربه زیسته آن‌ها محلات قدیم شهر بازشناسی و بر روی عکس هوایی بازنمایی شدند. معیار شناخت محدوده محله، اسم اشخاص ساکن در محله و پیدا کردن خانه آن‌ها در عکس هوایی بود.

مشابه همه شهرهای تاریخی، رامهرمز نیز محلاتی کاملاً متمایز از هم داشته است. عمده دلیل استقلال هویتی محلات، قومیت بوده است؛ ولی در کنار این دلیل اصلی، عناصر مذهبی و اقتصادی نیز در هویت بخشی به بافت پیرامون خود و ایجاد استقلال هویتی در قالب محله مؤثر بوده اند. در این شهر علاوه بر عوارض بکر طبیعی و عناصر انسان ساخت که در شکل دهی به هویت محلات مؤثرند، پیوندهای ساختار ساز با عناصر طبیعی نیز در ایجاد محلات با هویت مستقل نقش دارد. این مداخلات انسانی به زیرساخت‌های زیستی تبدیل می‌شوند که از جمله آن‌ها به جوی‌های انتقال آب از رودخانه به شهر، آسیاب‌ها و باغ‌هایی که امکان پرورش همه انواع میوه را دارند می‌توان اشاره کرد.

براساس اقوال شفاهی<sup>۱</sup> (مصاحبه با محمد اسماعیل مؤذن، ۱۴۰۲) و کتاب *رامهرمز* (معمدی، ۱۴۰۲، صص ۱۵۷-۱۷۴) محلات قدیم رامهرمز از این قرارند: علم‌دار یا بهبهانی‌ها؛ هفت‌تن؛ شاه‌پور یا شوشتری‌ها؛ فرهنگ یا دزفولی‌ها؛ بازار؛ رامهرمزی‌ها؛ **تل ناردنگی**؛ گچ‌کوها. محلات هشت‌گانه ذکر شده هسته مرکزی منسجم شهر را تشکیل می‌دادند و علاوه بر آن‌ها رامهرمز دارای دو محله خارج از محدوده هسته مرکزی و محاط در باغات بود: محله جوی آسیاب در شمال و محله کیمه در جنوب. در حال حاضر و به دلیل گسترش شهر این دو محله با محلات پیش گفته یکپارچه شده‌اند.

وجه تسمیه محلات: محله هفت‌تن و محله علم‌دار براساس اسم دو امام‌زاده به همین نام، محله بازار به دلیل قرارگیری مهم‌ترین بازار سرپوشیده شهر، محله **تل ناردنگی** اسم مکانی با کاربری خاص (تپه‌ای برای خشک کردن محصولات باغی، خصوصاً انار) و محله جوی آسیاب براساس آسیاب‌های متعدد موجود در محله، نام‌گذاری شده‌اند.

۱. نگارنده از سال ۱۳۹۸ در مصاحبه‌های پراکنده و بررسی اقوال آشنایان با وضعیت اصیل شهر رامهرمز به تعیین و تدقیق حدود محلات شهر می‌پرداختم؛ ولی بررسی هدفمند در سال ۱۴۰۲ و در سلسله مصاحبه‌ای با فرهنگی بازنشسته محمد اسماعیل مؤذن انجام شد.  
۲. (Toll) (Tale Nardongi) تل: تپه، بلندی. ناردنگ: ناردانه، دانه انار. رامهرمز در گذشته، فراوان باغ انار داشته است که به یکی از محصولات ثانویه آن ناردنگ گفته می‌شد که حاصل خشک کردن دانه انار در آفتاب بود. از این محصول در طبخ غذاهای متعدد استفاده می‌شد.



### • محلهٔ بهبهانی‌ها یا علم‌دار:

هستهٔ اولیهٔ این محله بقعهٔ علم‌دار امامزاده سید میر صالح است. هر چند دخل و تصرفات فراوانی در این بقعه انجام شده، ولی گنبد اورچین<sup>۱</sup> سلجوقی بنا حفظ شده و به شمارهٔ ۴۲۲۷ در سال ۱۳۸۰ ثبت ملی شده است (دانش‌نامهٔ تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مدخل ۱۹۴۷۶، ۱۴۰۳). گنبد رفیع این بقعه با پوشش گچ نیم‌پخته، در وضع اصیل یکی از نشانه‌های مهم شهر از فاصلهٔ دور بوده است. در جلوی این امامزاده فضای بازی قرار دارد که دارای حوض بوده و پنج‌شنبه‌بازاری در آن دایر می‌شده است (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۶۱). یکی از ویژگی‌های مجموعهٔ علم‌دار، باغ انار و زردآلو در ضلع شمالی بقعه بود. این باغ برخلاف دیگر باغ‌های شهر که در حاشیه شکل گرفته بودند، درون بافت شهر و در محاصرهٔ بناهای محلهٔ بهبهانی‌ها قرار داشت. بقعهٔ بی‌بی زینب‌خاتون<sup>۲</sup> از دیگر بناهای مهم این محله بود.

### • محلهٔ هفت تن (هفت تنون) یا محلهٔ باغ موئی:

هستهٔ اولیه این محله نیز امامزاده هفت تن است. بقعهٔ امامزاده هفت تن مربوط به دورهٔ سلجوقیان است که در تاریخ ۱۳۸۲ با شماره ثبت ۹۹۵۴ به عنوان یکی از آثار ملی ایران ثبت شده است (دانش‌نامهٔ تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مدخل ۲۵۲۰۳، ۱۴۰۳). در این بنا نیز مداخلات زیادی در دوره‌های بعد انجام شده است. دلیل اطلاق نام باغ موئی، وجود باغ انگوری معروف در مجاورت محله است.

### • محلهٔ شاه‌پور یا محلهٔ شوشتری‌ها:

این محله دارای خیابانی اصیل و تاریخی پیش از خیابان‌کشی‌های مخرب معاصر - بانام شاه‌پور است. در این خیابان گاراژ منشی (اولین ترمینال اتوبوس‌رانی شهر) با حجره‌هایی پیرامون حیاط مرکزی، عمارت بزرگ توکل، کارگاه‌های رنگ‌رزی و خراطی و ساباطی بزرگ قرار داشته است (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۷۲).

### • محلهٔ فرهنگ یا محلهٔ دزفولی‌ها:

عمدهٔ ساکنان این محله مهاجران دزفولی بودند. از بناهای مهم این محله می‌توان مرکز گلاب‌گیری و عرقیات‌خاندان گلابی، اولین ساختمان بهداری رامهرمز و اولین دبیرستان دخترانه در دورهٔ پهلوی و مدرسهٔ تاریخی رشدیه را نام برد (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۷۴).

### • محلهٔ بازار:

بازار اصلی شهر در این محله قرار دارد که شامل یک راسته‌بازار با کشیدگی شرقی-غربی، یک راسته‌بازار با کشیدگی شمال شرقی-جنوب غربی و یک تیمچه در محل اتصال این دو راسته باهم و هم‌چنین سرایی سرباز در انتهای شمال شرقی راستهٔ دوم است.

### • محلهٔ رامهرمزی‌ها: عمدهٔ ساکنان این محله رامهرمزی‌های اصیل بودند.

۱. اورچین: اورچین؛ پله پله. گنبد اورچین: گنبد پلکانی.  
۲. بی‌بی زینب‌خاتون، از سادات طباطبایی در ایران بوده است که نسبتش از طریق حسن مثنی به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد. او بعد از مرگ پدرش در یمن با برادران و برادرزادگانش به خوزستان راهی می‌شود و در رامهرمز ساکن می‌شود و ریاست علمی، معنوی و قضایی شهر را به دست می‌گیرد. پدر سیده زینب ابوالحسن احمدالناصر از آغه و مفسران زیدیه بود و مادرش نیز از نوادگان امام حسن (ع) بود. او احتمالاً بین سال‌های ۳۷۰ تا ۴۵۰ ق از دنیا رفته است و در رامهرمز مدفون شده است (ابوسعیده، ۱۳۸۵).

• **محلۀ تل ناردنگی:** در ضلع جنوبی شهر و بین باغ حسین آباد و باغ حمام قرار داشت. این محله دارای تپه مرتفعی بوده که برای گستراندن ناردانه‌های انارستان‌های اطراف محله استفاده می‌شده است (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۶۴). مکان این تپه در توسعه شهر در اوایل قرن ۱۳ مسکونی شده است؛ بنابراین ساختمان‌های مکان این تپه از دیگر محلات شهر جدیدتر است.

#### • محلۀ گچ کوها:

شغل اکثر ساکنان این محله گچ کوبی بود. یکی از صادرات قدیمی رامهرمز به شهرهای اطراف گچ بنایی بود. در کوه‌های شمال شهر معادن غنی و گسترده سنگ گچ وجود داشته است که هنوز هم شرکت گچ خوزستان در آن فعال است. استخراج سنگ گچ از معدن، انتقال آن به شهر، پختن گچ در کوره‌های سنتی و نیم کوب کردن آن فرایندی بود که حرفه‌ای باتشخص را ایجاد می‌کرد که دارای رئیس صنف و سازوکار تولیدی و تجاری مفصل بود.

#### • محلۀ جوی آسیاب:

هسته اصلی شکل دهنده به این محله، جوی آب معروفی بود که برای آبیاری باغات و مزارع و بهره‌برداری صنعتی چرخش آسیاب استفاده می‌شد. چهار واحد آسیاب آبی با نام‌های ملابندر، خواجه الهیار کلاتر هر رمزی، کربلاتی سلمان، و برجی در این محل فعال بودند که در نام‌گذاری این محله مؤثر بوده‌اند (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۵۷). این محله در شمال شهر گسترش یافته بود و بافت مترکم معماری نداشت و با ترکیب باغ‌ها و خانه‌ها شکل یافته بود.

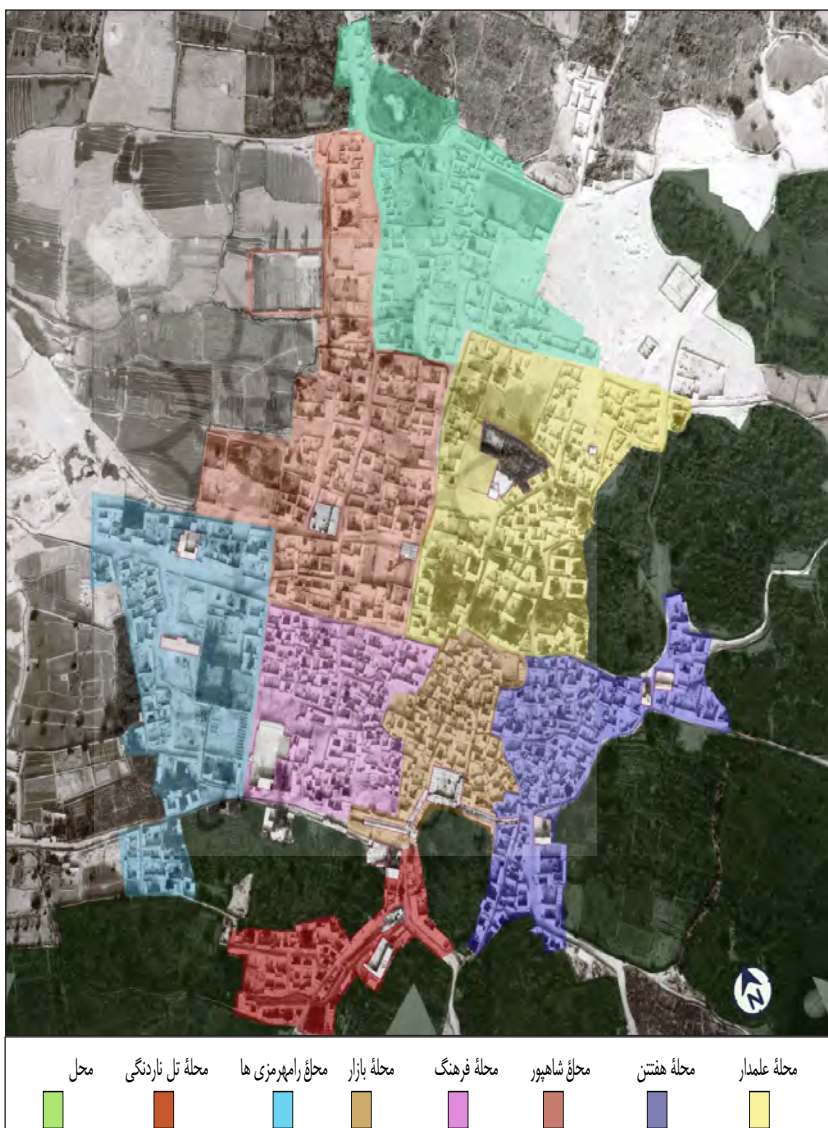
#### • محلۀ کیمه یا محلۀ بیلاقی‌ها:

عمده مهاجران چهارمحالی در این محله ساکن بودند. مهم‌ترین اثر تاریخی باقی‌مانده شهر رامهرمز -باغ و عمارت صمیمی- در این محله قرار دارد. این محله دارای راسته‌بازاری مستقل در جلوی عمارت صمیمی بود که با احداث خیابان کیمه تخریب شد.

اقوام ساکن در شهر علاوه بر رامهرمزی‌ها، بهبهانی‌ها (عموماً ساکن در محلۀ علم‌دار یا بهبهانی‌ها)، شوشتری‌ها (عموماً ساکن در محلۀ شاه‌پور)، دزفولی‌ها (عموماً ساکن در محلۀ فرهنگ) و چهارمحالی‌ها یا بیلاقی‌ها (عموماً ساکن در محلۀ کیمه) هستند.

دلیل تنوع سکونت قومیت‌های مختلف از شهرها و استان‌های اطراف در رامهرمز را باید با تشریح موقعیت اقتصادی خاص رامهرمز بررسی کرد. در اواخر دوره قاجار و پهلوی رامهرمز یکی از باراندازهای مهم جنوب کشور محسوب می‌شد. کاروان‌هایی که قصد داشتند از سمت اصفهان و چهارمحال به کشورهای حاشیۀ خلیج فارس سفر کنند و بالعکس، باید از گمرک رامهرمز عبور می‌کردند. رامهرمز دارای محل‌هایی برای اخذ عوارض از کاروان‌ها (نواقلی) بوده است که یکی در شمال شهر و یکی در محلۀ کیمه (جنوب شرقی شهر) شناسایی شده‌اند (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۷).



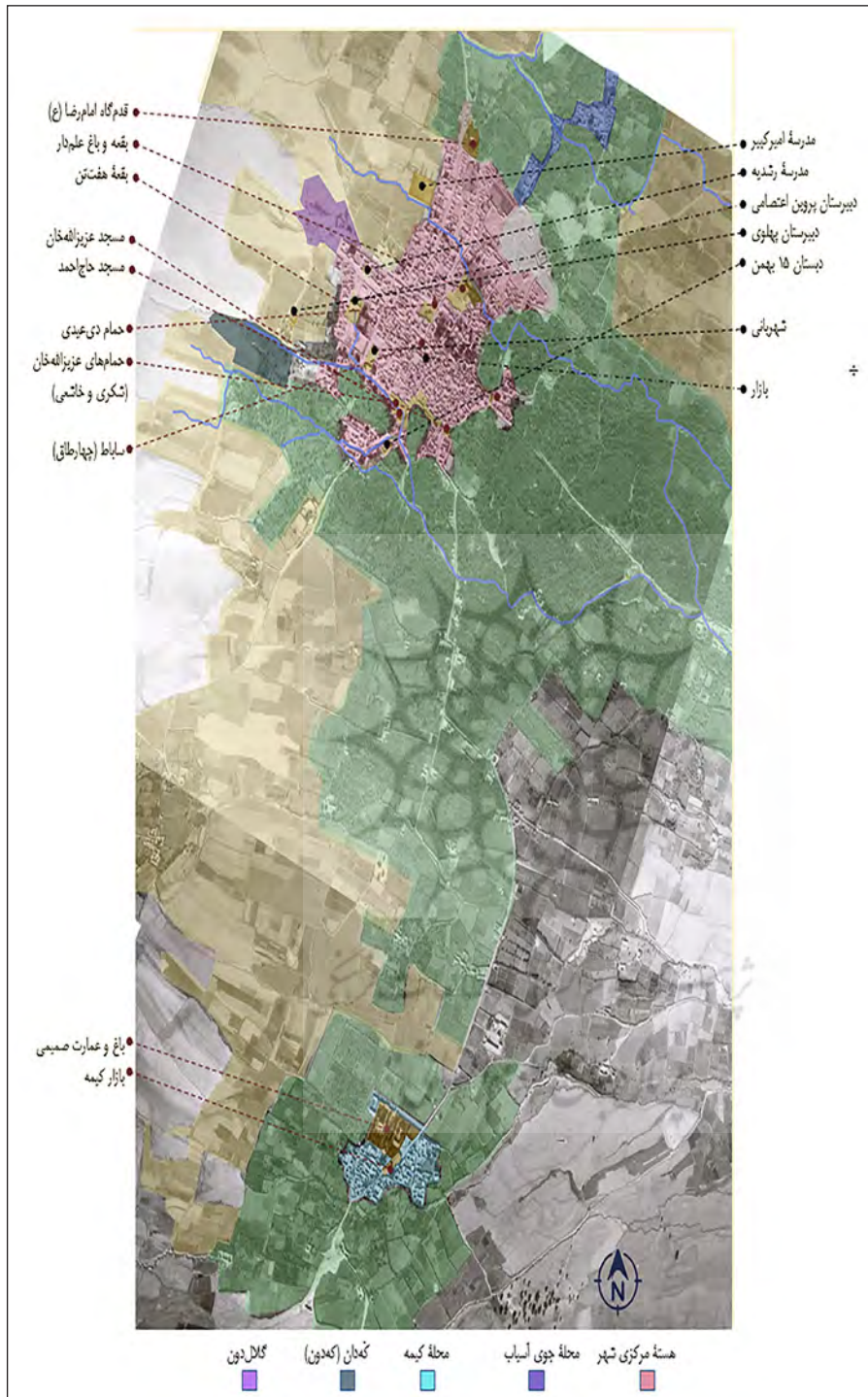


تصویر ۶

محلات هشت گانه هسته مرکزی شهر







### تصویر ۷

موقعیت کالبد شهر، باغات (حلقه سبز)، مزارع (حلقه زرد) نسبت به هم در وضع اصیل. جوی‌های آب (جوی شمالی خره، جوی عبورکننده از وسط شهر (جوی مالیه) و جوی جنوبی یورشاهی (شش‌لوله)) با رنگ آبی مشخص‌اند. بناهای مهم شهر هم با رنگ قهوه‌ای روشن مشخص‌اند.



### ۶.۳. زیرساخت‌ها و بناهای مهم شهر

#### • منبع تأمین آب شهر

بافت تاریخی شهر رام‌هرمز دارای سه جوی آب مهم با راستای شرقی-غربی بود که از رودخانهٔ اعلا منشعب می‌شدند.

۱. جوی مالیه<sup>۱</sup> از وسط بافت محلات علم‌دار و شاه‌پور- می‌گذشت.
۲. جوی خرّه<sup>۲</sup> از محلهٔ جوی آسیاب و باغات و مزارع شمال شهر می‌گذشت.
۳. جوی بورشاهی (شش‌لوله)<sup>۳</sup>، قبل از تیمچهٔ مرکز شهر به دو شاخه تقسیم می‌شد؛ یک شاخه از محلهٔ تل‌ناردنگی عبور می‌کند و به باغات بعد از این محله وارد می‌شود و شاخهٔ دیگر به سمت تیمچه ادامه پیدا می‌کند و در مسیر خود به سمت غرب، آب موردنیاز حمام‌های مجموعهٔ عزیزالله‌خان (خاشعی و شکری) را تأمین می‌کند و پس از آن به سمت دو دبیرستان شهر (دخترانهٔ پروین اعتصامی (فاطمهٔ زهرا) و پسرانهٔ پهلوی (امام صادق)) به دو انشعاب تقسیم می‌شد.

#### • آسیاب

یکی از مهم‌ترین تأسیسات زیستی دشت رام‌هرمز آسیاب‌های آبی هستند. این آسیاب‌ها عمدتاً در کنار جوی‌های آب شکل گرفته‌اند و به‌همین دلیل نیز دارای جوی آب دست‌ساز فرعی برای هدایت جریان آب به سمت تنوره (مخزنی بزرگ با ارتفاع حدود ۳ متر برای شدت‌دادن به جریان آب) هستند. پایین این مخزن سوراخی وجود دارد که لولهٔ چوبی مخروطی‌شکلی به آن وصل می‌شود. این لوله قابل تنظیم به جهات مختلف است. آب خروجی از لوله پره‌های چوبی متصل به یک شفت را می‌چرخاند. دو سنگ آسیاب افقی، یکی ثابت در زیر و دیگری متحرک روی آن وظیفهٔ آسیاب کردن گندم را برعهده دارند. شفت به سنگ رویی متصل می‌شود و آن سنگ را می‌چرخاند (مصاحبه با فریدون سرکهکی دربارهٔ آسیاب آبی، ۱۳۹۱). تقریباً همهٔ ساخت‌وسازهای این مجموعه با سنگ قلوئه رودخانه‌ای (قلوه‌سنگ) و ملات گچ نیم‌پختهٔ نیم‌کوب ساخته می‌شوند.

جوی شش‌لوله در جنوب و در محل ورود به شهر سه آسیاب را فعال می‌کرد و جوی خرّه با گذر از محلهٔ جوی آسیاب بیش از ۵ آسیاب را فعال می‌کرد و به‌همین دلیل این محله به ناحیه‌ای صنعتی در جوار شهر شباهت داشت.

۱. احتمالاً منظور از این اسم، جویی است که از املاک عبور می‌کند.

۲. (Kharre) فرهنگ معین: گل‌ولای چسبند.

۳. شهرداری برای سهولت دسترسی به این جوی قدیمی، در ورودی شهر حوضچه‌ای ساخت که شش‌لوله از آن منشعب می‌شد؛ به‌همین دلیل پس از آن به جوی شش‌لوله معروف شد.





جوی دست‌ساز - جوی اصلی - تنوره - سنگ آسیاب - محل ذخیره گندم

### تصویر ۸

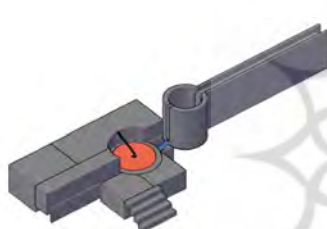
جوی آب شش‌لوله و آسیاب در وسط تصویر مشخص‌اند

### تصویر ۹

جوی اصلی، مسیر دست‌ساز آب در کنار جوی اصلی، تنوره یا پلان دایره با رنگ تیره و سنگ آسیاب در تصویر مشخص‌اند

(۸)

(۹)



(۱۰)



(۱۱)



(۱۲)

### تصویر ۱۰

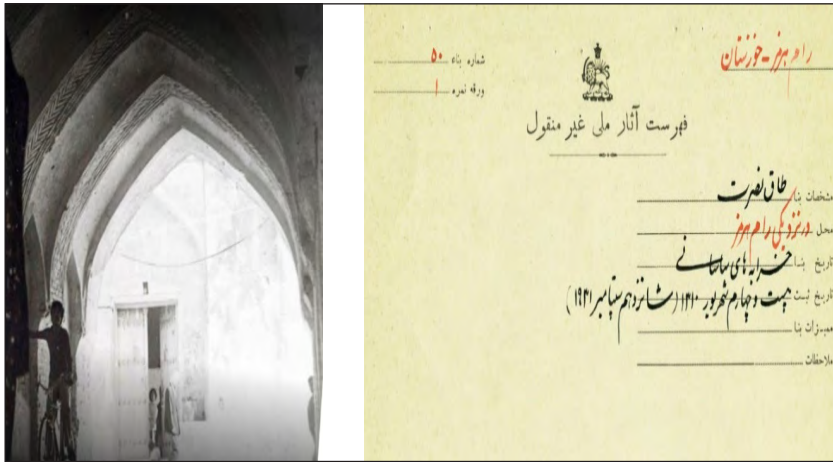
طرح شماتیک آسیاب آبی در روستای دهپور رامهرمز (طراح: مولانی، از روی مصاحبه با فریدون سرکهگی، ۱۳۹۱).

### تصویر ۱۱ و ۱۲

باقی‌مانده‌های تنوره و جوی آب آسیابی روستایی در سال ۱۴۰۳

### • طاق نصرت ساسانی

این اثر در تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ با شماره ثبت ۵۰ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران ثبت شد. نام یک طاق نصرت در خرابه‌هایی از عهد ساسانیان در سینه کوهی در خوزستان باقی مانده است (دولت‌شاهی، ۱۳۶۳، ج ۱). این اثر با احداث دانشگاه پیام نور در ضلع شمالی شهر تخریب شد. نکته لازم به ذکر این‌که در پرونده ثبتی سال ۱۳۱۰ شمسی هیچ آدرس و تصویری از این بنا موجود نیست و در حال حاضر این بنا بعضاً با ساباطی در مرکز شهر در محله فرهنگ - که در سال ۱۳۸۰ به‌طور کامل تخریب شده است - اشتباه گرفته می‌شود. طاق نصرت مذکور در مدخل شمالی شهر رامهرمز قرار داشته است (افشار، ۱۳۷۳، ص ۴۰۳).



### تصویر ۱۳

کارت ثبت اثر طاق نصرت

### تصویر ۱۴

ساباط (چهارطاق) تخریب شده در  
مرکز شهر

#### • مسجد و بقاع متبرکه

۱. مسجد عزیزالله خان (آیت الله بهبهانی فعلی) در مرز محله بازار و محله تل ناردنگی. این مسجد را عزیزالله خان نوروزی<sup>۱</sup> خان ایل دینارون و رامهرمز ساخت. این مسجد در سال ۱۳۸۲ با شماره ثبت ۹۱۴۷ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید؛ ولی چند سال بعد تخریب شد و با مسجدی جدید جایگزین شد (دانش نامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مدخل ۲۴۳۹۶، ۱۴۰۳). براساس عکس هوایی ۳۵ این بنا دارای شبستان جنوبی و ورودی شمالی بوده است و در دو ضلع دیگر فقط دارای دیوار بوده است. یک درخت نخل هم در ضلع شرقی حیاط این مسجد دیده می شود.
۲. مسجد حاج احمد در مرز محله بازار و محله هفت تن که مشابه مسجد عزیزالله خان با بنایی جدید (مسجد امام خمینی) جایگزین شد. براساس عکس هوایی ۳۵ این بنا دارای شبستان جنوبی، گنبدخانه ای در وسط شبستان و چهار طاق گهواره ای شرقی و چهار طاق گهواره ای غربی، ایوانی جنوبی رو به حیاط مرکزی و درختی تنومند در حیاط بوده و در سه ضلع دیگر فقط دیوار پیرامونی مشخص کننده حیاط بوده است.
۳. مسجد حاج بشیر و بقعه هفت تن در کنار هم در محله هفت تن.
۴. مسجد خضر در محله فرهنگ (مصاحبه با محمد اسماعیل مؤذن، ۱۴۰۲).
۵. مسجد امام حسن (ع) در محله فرهنگ از مسجدهای قدیمی رامهرمز و دارای شوادانی (سردابی) با طول زیاد بوده است که به طور کامل تخریب شده است و در حال حاضر محل شرکت تعاونی فرهنگیان است (افشار، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۰۷).

۱. حاکم بختیاری رامهرمز در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ قمری. از آثار برجای مانده از او می توان به مسجد، مکتب خانه و دو حمام مردانه و زنانه اشاره کرد (عباسیان، ۱۳۸۶)

## • حمام

در بخش متراکم بافت شهر چهار حمام وجود داشت؛ دو حمام مردانه و زنانه مجموعه عزیزالله خان نوروزی (حمام شکری و خاشعی، روبه‌روی راسته‌بازار) و یک حمام زنانه کوچک در محله تل ناردنگی و یک حمام زنانه دی‌عیدی<sup>۱</sup> (در محله شاه‌پور). براساس تصویر ۳۵ هرزاب حمام دی‌عیدی از طریق جویی در سمت جنوب غربی حمام در چاله‌ای وسیع ریخته می‌شده‌است.

۱. دی (Dei) یا دا در گویش رامهریزی یعنی مادر. دی‌عیدی یعنی مادرعیدی؛ خطاب‌قراردادن بانوان با اسم فرزندان ارشد پسری در فرهنگ‌های اصیل ایرانی رایج بوده‌است.



## تصویر ۱۵

مساجد با رنگ سبز (مسجد حاج‌احمد (مسجد امام‌خمینی) در شرق و مسجد عزیزالله خان در غرب)، حمام‌ها با رنگ بنفش (حمام دی‌عیدی در شمال و حمام‌های مجموعه عزیزالله خان (شکری و خاشعی) در جنوب) و ساباط با رنگ قرمز مشخص شده‌اند. در سمت راست، بناهای مذکور با بزرگ‌نمایی ارائه شده‌است.

## • باغ

۱. باغ حسین‌آباد یا بانک ملی در جنوب شهر و در کنار تیمچه مرکزی، بین دو محله بازار و تل ناردنگی بود.
۲. باغ حمام در ضلع جنوب شهر بین محله فرهنگ، رامهریزی‌ها و تل ناردنگی بود.
۳. باغ صمی در ضلع جنوب شهر و محله تل ناردنگی بود.
۴. باغ طهماسبی در ضلع جنوب غرب شهر و محله رامهریزی‌ها بود.
۵. باغ فرجی در ضلع جنوب شهر و همچنین در ضلع جنوب محله تل ناردنگی و باغ طهماسبی بود.

۶. باغ شاه‌ناصر در ضلع جنوب شهر و محله بازار بود.
۷. دوباغون؛ در ضلع جنوب شرقی شهر و بعد از محله بازار و هفت‌تن قرار داشت و مجموعه‌ای متشکل از کوچه‌باغی دارای درخت‌های بزرگ با راستای شمالی جنوبی و باغ‌های کوچک از جمله باغ موئی، باغ خادمی زاده و باغ مریدزاده در ضلع غربی کوچه باغ و باغ فتحی و مش قربان در ضلع شرقی کوچه باغ بود. وجه تسمیه این باغ به دلیل قرارگیری دو مجموعه باغ پیرامون مسیر بود.
۸. باغ رستگاری در ضلع شرقی شهر و محله هفت‌تن قرار داشت.
۹. باغ پری در ضلع شرقی شهر و محله علم‌دار قرار داشت.
۱۰. باغ باروت کوب در ضلع شمال شرق، بعد از قبرستان شهر بود.
۱۱. باغ قدمگاه امام رضا (ع)، باغی وسیع در ضلع شمالی شهر بود (مصاحبه با محمد اسماعیل مؤذن، ۱۴۰۲).

باغ‌های ذکر شده، باغ‌های پیرامون هسته مرکزی هستند و محله جوی آسیاب و کیمه نیز دارای باغ‌هایی بودند. همه باغ‌های نام‌برده، باغ‌های میوه بودند و ساختاری غیرهندسی داشتند و تنها باغ هندسی شهر، باغ و عمارت صمیمی در محله کیمه بود که هنوز هم پابرجاست.



#### تصویر ۱۶

باغها براساس شماره‌های متن مشخص شده‌اند

#### تصویر ۱۷

محله کیمه؛ باغ و عمارت صمیمی در ضلع شمال محله با پلان دوزنقه و بازار سرپوشیده با راستای شمال شرقی-جنوب غربی در وسط محله مشخص‌اند.



## • مدرسه

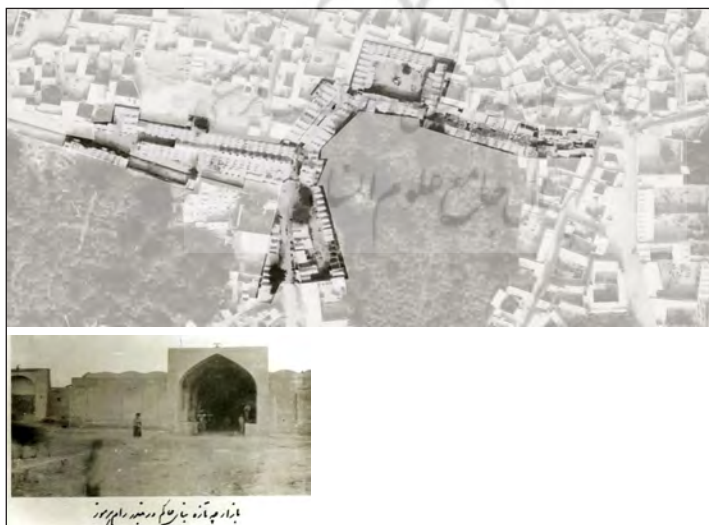
اولین ساخت‌وسازهای جدید در بافت قدیمی شهر، مدارس بودند و بر همین اساس تحولات اجتماعی در رام‌هرمز پیش‌از تحولات کالبدی شهر شروع شد.

۱. دبستان پهلوی (۱۳۰۵) در بنایی با الگوی ساخت حیاط مرکزی و مصالح اصیل؛  
 ۲. دبستان ۱۵ بهمن (۱۳۱۵) (۲۲ بهمن فعلی) در محله تل ناردنگی؛ ۳. دبستان هاتف کیمه (۱۳۲۲)؛ ۴. دبیرستان پهلوی (۱۳۲۶) با الگوی ساخت برون‌گرا و مصالح جدید؛  
 ۵. دبستان رشديه (۱۳۲۸)؛ ۶. دبستان دخترانه آذرمیدخت (۱۳۳۶)؛ ۷. دبیرستان دخترانه پروین اعتصامی (برای سیکل اول) (فاطمه زهراي فعلی) در محله رام‌هرمزی‌ها؛ ۸. دبستان دخترانه پارسا در محله علم‌دار (۱۳۴۹)؛ ۹. مدرسه راهنمایی دکتر شفا (۱۳۵۰)؛ ۱۰. مدرسه راهنمایی امیرکبیر در محله شاه‌پور (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۵۹).

## • بازار

مهم‌ترین بخش بازار تیمچه‌ای با پوشش گنبدی بود که در سال ۱۳۳۹ ش به‌طور کامل تخریب شد (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۰) و به‌جای آن میدان آزادی فعلی احداث شد. راسته‌ای سرپوشیده با پوشش طاق کُلمبو<sup>۱</sup> در راسته، و طاق و تویزه در حجره‌ها، از تیمچه به سمت غرب امتداد می‌یافت و راسته‌ای دیگر با پوشش تخت موقت برای راسته، و طاق و تویزه برای حجره‌های به سمت شمال شرقی، تیمچه را به سرای رضاخانی (منسوب به رضاقلی خان بختیاری) متصل می‌کرد (گفت‌وگو با استاد فضل‌الله موحدی، ۱۴۰۲). (سرای رضاخانی دارای حیاط مرکزی و حجره‌هایی با پوشش طاق و تویزه در پیرامون آن بوده‌است).

۱. طاق کُلمبو یا کُلمبو از ساختارهای بسیار پرکاربرد طاق در ایران است که به‌دلیل توانایی فراوان در برابر انواع تنش‌ها و فشارهای باربری رواج گسترده‌ای در سازه‌های کوناگون در جغرافیای فرهنگی ایران پیدا کرده‌است. این طاق در نگاهی کلی نیم‌کره‌ای است که به گنبدی کوچک و کم‌خیز می‌ماند و روی زمینهای «چارگوش» می‌نشیند.



## تصویر ۱۸

دو راسته اصلی بازار در تصویر مشخص هستند. دو راسته دیگر (گسترش از تیمچه به سمت جنوب و از سرای رضاخانی به سمت شرق) الحاقات بعدی هستند و راسته آن‌ها دارای پوشش نیست.

## تصویر ۱۹

ساباط (چهارطاق) تخریب‌شده در مرکز شهر



• گه‌دان (جاخرمنی): محلی در حاشیه جنوب غربی شهر برای جداکردن گندم از کاه به کمک باد.

• گلال‌دون: محلی در حاشیه غربی شهر که سرریز جوی‌های آب شهر بود و از گل انباشته شده در آن برای عایق کاری بام خانه‌ها استفاده می‌شد.

## ۷. نتیجه

ماهیت شهرهای تاریخی، هم با میراث فرهنگی کالبدی شامل بناها، اشیاء و آثار طبیعی تعریف می‌شود و هم با میراث فرهنگی فراکالبدی شامل تاریخ شفاهی و فضاهای معنوی. هنوز شهرهایی هستند که عمده یا بعضاً همه میراث کالبدی خود را از دست داده‌اند؛ ولی در نگاه مردم اصیل، آن شهر تاریخی محسوب می‌شود؛ چراکه سابقه زیست در وضع اصیل آن شهر هنوز در ذهن آن مردم زنده است. با تغییر نسل، آن سابقه ذهنی فراموش می‌شود و به دلیل نبود مستندنگاری در خور و ثبت نشدن میراث کالبدی و فراکالبدی، تاریخی بودن آن شهرها صرفاً به منابع مکتوب انگشت‌شماری محدود می‌شود که فهم درستی از چگونگی زیست در آن اقلیم ارائه نمی‌دهند. بر همین اساس بازخوانی وضع اصیل شهرهای تاریخی و فهم نحوه صحیح زیستن در بستر طبیعی-تاریخی این شهرها در جهت زیستی پایدار از مهم‌ترین وظایف این سال‌های افرادی است که برای حفاظت از میراث فرهنگی ایران دغدغه دارند. بازخوانی وضع اصیل شهر رامهرمز تلاشی در این راستا است. در این بازخوانی اقوال شفاهی مربوط به زیستن در وضع اصیل شهر در عکس هوایی تاریخی استقرار یافتند و در انطباق محک خوردند و تصحیح شدند. این خوانش علاوه بر این که وضعیت بسیاری از آثار شناخته شده ولی مفقود را روشن کرد، نحوه قرارگیری شهر در بستر طبیعی خود و تعامل با آن را هم مشخص کرد.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این مقاله ارائه نظام محله‌بندی اصیل شهر است. این نظام محله‌بندی هرچند در وضعیت کالبدی مخدوش امروز شهر معنایی ندارد، ولی در نظام معنایی ساکنان اصیل شهر هنوز پابرجا است و برای معرفی اشخاص، ساکن کدام محله بودن دارای اهمیت است. الگوی مهم در نظام محله‌بندی شهر رامهرمز، محلات اقماری است. رامهرمز دارای ۸ محله در هسته مرکزی و ۲ محله اقماری با فاصله از شهر است. محله جوی آسیاب در ضلع شمال شهر دارای الگوی پراکنش بناهای کاملاً متفاوت با هسته مرکزی متراکم شهر و خانه‌هایی پراکنده در باغات است. محله کیمه با فاصله حدود ۲ کیلومتری از شهر، بافتی متراکم، باغی دارای پلان هندسی و راسته‌بازاری سرپوشیده دارد. این تنوع ساختار محلات، از تنوع نحوه زیست حکایت دارد.

1. GelalDoon





## ۸. پیشنهاد مطالعات آینده (بازگشت به وضع اصیل باغ شهری)

در سال‌های اخیر ساکنان رامهرمز باغ‌هایی را به‌سختی و زحمت ولی بدون پیروی از طرحی از پیش فکر شده در پیرامون شهر ایجاد می‌کنند. توصیه می‌شود در تصمیم‌گیری برای توسعه شهرها، ابتدا وضع اصیل شهر به‌دقت مطالعه شود؛ چراکه الگوهای تجربه‌شده اصیل، راه‌کارهای پایداری برای توسعه در اختیار قرار می‌دهند. محلات اقماری شهر رامهرمز، یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای توسعه هستند که برای همیشه قابل استفاده‌اند. بهره‌گیری از این ایده و ساخت محلات اقماری در بخش‌های کمتر استفاده‌شده پیرامون شهر، هیئت و هویت هسته مرکزی و حلقه‌های سبز و زرد پیرامونی و زیرساخت‌های ایجادشده در حاشیه شهر را حفظ می‌کند و محلاتی جدید با هویت مستقل و ساختاری مشابه با هسته مرکزی در مقیاس خردتر ایجاد می‌کند.

### منابع

- ابن بلخی. (۱۳۸۵). *فارس نامه*. گای لسترنیج و رینولد نیکلسون، ویراستاران. تهران: اساطیر.
- ابوسعیده، سیدحسین. (۱۳۸۵). *الاساس لانساب الناس*. قم: مؤسسه عاشورا.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۹۷). *ممالک و مسالک*. تهران: موقوفات دکتر محمود افشار.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۳). *خوزستان و تمدن دیرینه آن*. (ج ۱). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۴). *مجله التواریخ و القصص*. تهران: دنیای کتاب.
- تاریخ سیستان*. (۱۳۶۶). (ج ۱). (محمدتقی بهار و محمد رضائی، مصححان). تهران: پدیده خاور.
- دولت‌شاهی، عمادالدین. (۱۳۶۳). *جغرافیای غرب ایران یا کوه‌های ناشناخته اوستا*. (ج ۱).
- حموی، یاقوت ابن عبدالله. (۱۳۸۰). *معجم البلدان*. (ج ۲). (علی نقی منزوی، مترجم). تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۹). *کاربرد عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای در جغرافیا*. دانشگاه پیام نور.
- عباسیان، فرج‌الله. (۱۳۸۶). *رام اورمزد «دیار آزادگان» از آغاز تا برافتادن سلسله پادشاهی قاجار پیرامون تاریخ اجتماعی، جغرافیای رامهرمز*.
- معمدی، منصور. (۱۴۰۲). *رامهرمز*. تهران: آواز.
- مقدسی، محمدابن احمد. (۱۳۶۱). *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*. (ج ۱). (علی نقی منزوی، مترجم). تهران: کومش.
- مهران‌پور، هادی؛ دیناروند، یوسف. (۱۳۹۰). «باستان‌شناسی خوزستان». چاپ شده در کتاب: *مجموعه مقالات ۸۰ سال باستان‌شناسی ایران*. (یوسف حسن‌زاده، سیما میری، کوشش‌گران). تهران: پایزنه.
- واندنبرگ، لویی. (۱۳۷۹). *باستان‌شناسی ایران باستان*. (عیسی بهنام، مترجم). تهران: دانشگاه تهران. دانلود



از سایت آسمان کتاب.

## مقاله

شیشه‌گر، آرمان؛ قاسمی، محسن؛ ممبئی، نرگس. (۱۳۹۵). «طبقه‌بندی و مقایسه سفال عیلام نو (مطالعه موردی محوطه باستانی جویجی-رامهرمز)». *باستان‌شناسی ایران*، ۶(۲)، ص ۲۹-۳۰.  
قیومی، مهرداد. (۲۰۰۴). «تحقیق تفسیری تاریخی در معماری». *صفحه*، ۱۴(۲).  
مشهور، زینب. (۱۳۹۸). «بازشناسی عناصر کالبدی کارکردی مؤثر در شکل‌گیری بافت تاریخی بهبهان (از دوره صفویه تا پهلوی) بر مبنای الگوی شهرهای تاریخی». *معماری‌شناسی*، ۲(۱۲)، صص ۱۳۸-۱۴۸.

## مصاحبه

«گفت‌وگو با استاد فضل‌الله موحدی پیشکسوت خیاطی در رامهرمز و شاعر». (۱۴۰۲). [مصاحبه].  
(محمدعلی به‌وند یوسفی، مصاحبه‌گر). منبع خبر: هفته‌نامه رامهرمزنامه: <https://ramhormoz.namehnews.ir>

namehnews.ir

آدرس کوتاه‌شده صفحه: <https://adr3.ir/Qmy5>

مصاحبه با فریدون سرکهکی درباره آسیاب آبی. (۱۳۹۱). (مولائی، مصاحبه‌گر).

مصاحبه با محمداسماعیل مؤذن. (۱۴۰۲). (سجاد مؤذن، مصاحبه‌گر).

## منابع اینترنتی

دانش‌نامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مدخل ۱۹۴۷۶. (۱۴۰۳).

<https://iranarchpedia.ir/entry/19476>

دانش‌نامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مدخل ۲۴۳۹۶. (۱۴۰۳).

<https://iranarchpedia.ir/entry/24396>

دانش‌نامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مدخل ۲۵۲۰۳. (۱۴۰۳).

<https://iranarchpedia.ir/entry/25203>

«رامهرمز‌شناسی و مطالعات تاریخی خوزستان». (۱۳۹۸).

<http://hossein117.blogfa.com>

قربانی، امید. (۷ اکتبر ۲۰۲۲). نقشه هوایی ایران، از اولین (قدیمی‌ترین) تا آخرین (جدیدترین):

سایت مپ‌اسکیل. <https://mapsacle.ir> آدرس کوتاه‌شده صفحه: <https://adr3.ir/YWpP>

میرسالاری، آراز. (۱۳۹۰). «شهر باستانی رامهرمز را بشناسیم»:

<http://simaaraz.ParsiBlog.com>



## منابع لاتین

## Book

- Alizadeh, Abbas. (2014). *Ancient Settlement Systems and Cultures in the Ram Hormuz Plain, Southwestern Iran: Excavations at Tall-e Geser and Regional Survey of the Ram Hormuz Area*. The Oriental Institute Publications of The University of Chicago.
- Harding, Sue-Ann. (2022). *An Archival Journey through the Qatar Peninsula: Elusive and Precarious*. Palgrave Macmillan.
- Miller, Naomi F; Abdi, Kamyar. (2003). *Yeki bud, yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*. Cotsen Institute of Archaeology Press.
- Roth, Michael S; Lyons, Claire L; Merewether, Charles. (1997). *Irresistible Decay: Ruins Reclaimed*. Getty Research Institute for the History of Art and the Humanities.
- Whitcomb, Donald. (1971). *The Proto-Elamite Period at Tall-I Ghazir, Iran*.

## English Translation of References

## Books

- Abbasian, Farajollah. (1386/2007). *“Rām Ormazd “Diyār-e āzādegān” az āqāz tā bar oftādan-e selsele-ye pādešāhi-ye Qājār pirāmun-e tārix-e ejtemā’ee, joqrāfiyāyi-ye Rām-Hormoz”* (Ram Ormazd "Land of the Free" from the beginning to the fall of the Qajar dynasty on the social history and geography of Ramhormoz). [In Persian]
- Abu Saeedeh, Seyyed Hossein. (1385/2006). *“Al-asās-ol-ansāb-on-nās”* (The basis for people's genealogy). Qom: Mo'assese-ye 'Āšurā. [In Persian]
- Afshar, Iraj. (1373/1994). *“Xuzestān va tamaddon-e dirine-ye ān”* (Khuzestan and its ancient civilization) (vol. 1). Tehran: Vezārat-e Farhang va Eršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance). [In Persian]
- Alizadeh, Abbas. (2014). *Ancient Settlement Systems and Cultures in the Ram Hormuz Plain, Southwestern Iran: Excavations at Tall-e Geser and Regional Survey of the Ram Hormuz Area*. The Oriental Institute Publications of The University of Chicago.



- Bahar, Mohammad Taghi. (1384/2005). *“Mojmal-ot-tavārix-e val-qesas”* (Collection of histories and stories). Tehran: Donyā-ye Ketā. [In Persian]
- Dolatshahi, Emad Al-Din. (1363/1984). *“Joqrāfiyā-ye qarb-e Irān yā kuh-hā-ye nā-šenāxte-ye Avestā”* (The geography of western Iran or the unknown mountains of Avesta) (vol. 1). [In Persian]
- Ebn-e Balkhi. (1385/2006). *“Fārsnāmeḥ”* (Fars-Nama). Edited by Guy Le Strange & Reynold Nicholson. Tehran: Asātir. [In Persian]
- Estakhri, Abu Eshagh Ebrahim. (1397/2018). *“Al-masālek-o val-mamālek”* (Book of roads and kingdoms). Tehran: Bonyād-e Mowqūfāt-e Afšār (Dr. Mahmoud Afshar Foundation). [In Persian]
- Hamawi, Yaghout Ibn Abdullah. (1380/2001). *“Mo’jam-ol-boldān”* (Dictionary of Countries) (vol. 2). Translated by Ali Naghi Monzavi. Tehran: Pažuhešgāh-e Sāzmān-e Mirās-e Farhangī-ye Kešvar (Research Institute of Cultural Heritage & Tourism). [In Persian]
- Harding, Sue-Ann. (2022). *An Archival Journey through the Qatar Peninsula: Elusive and Precarious*. Palgrave Macmillan.
- Moghaddasi, Mohammad Ibn Ahmad. (1361/1982). *“Ahsan-ot-taqāsim fi ma’refat-el-aqālim”* (The best divisions for knowledge of the regions) (vol. 1). Translated by Ali Naghi Monzavi. Tehran: Kumeš. [In Persian]
- Motamedi, Mansour. (1402/2023). *“Rāmhormozān”* (Ramhormozan). Tehran: āvāz. [In Persian]
- Miller, Naomi F; Abdi, Kamyar. (2003). *Yeki bud, yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*. Cotsen Institute of Archaeology Press.
- Rezvani, Ali Asghar. (1389/2010). *“Kārbord-e ‘ax-hā-ye havāyi va māhvāre-ee dar joqrāfiyā”* (Application of aerial and satellite photos in geography). Dānešgāh-e Payām-e Nur (Payame Noor University). [In Persian]
- Roth, Michael S; Lyons, Claire L; Merewether, Charles. (1997). *Irresistible Decay: Ruins Reclaimed*. Getty Research Institute for the History of Art and the Humanities.



- “*Tārix-e Sīstān*” (History of Sistan) (vol. 1). (1366/1987). Edited by Mohammad Taghi Bahar & Mohammad Ramezani. Tehran: Padide-ye Xāvar. [In Persian]
- Vanden Berghe, Louis. (1379/2000). “*Bāstān-šenāsi-ye Irān*” (Archeologie de L'Iran ancien) [Archeology of Ancient Iran]. Translated by Isa Behnam. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). Retrieved from āsemān-e Ketāb Website. [In Persian]
- Whitcomb, Donald. (1971). *The Proto-Elamite Period at Tall-I Ghazir, Iran*.

### Articles

- Ghayyoumi, Mehrdad. (2004). “Tahqiq-e tafsiri-ye tārixi dar me'māri” (Historical interpretation research in architecture). *Soffeh*, 14(2). [In Persian]
- Mashhour, Zeynab. (1398/2019). “Bāz-šenāsi-ye 'anāser-e kālbodi-ye kār-kardi-ye mo'asser dar šekl-giri-ye bāft-e tārixi-ye Behbahān (Az dowre-ye Safaviyeh tv Pahlavi) bar mabnā-ye olgu-ye šahr-hā-ye tārixi” (Recognition of physical and functional elements effective in the formation of the historical context of Behbahān (from Safavid to Pahlavi period) based on the model of historical cities). *Me'māri-šenāsi*, 2(12), pp. 138 – 148. [In Persian]
- Mehranpour, Hadi; & Dinarvand, Yousof. (1390/2011). “Bāstān-šenāsi-ye Xuzestān” (Archeology of Khuzestan). In Yousof Hasanzadeh & Sima Miri (Eds.), “*Majmu'e-maqālāt-e 80 sāl bāstān-šenāsi-ye Irān*” (Eighty Years of Iranian Archaeology). Tehran: Pāzineh. [In Persian]
- Shishegar, Arman; Ghasemi, Mohsen; & Mombeini, Narges. (1395/2016). “Tabaqebandi va moqāyese-ye sofāl-e 'Ilām-e no (Motāle'e-ye moredi-ye mohavvate-ye bāstvni-ye Jubaji – Rāmhormoz)” (Classification and comparison of New Elam pottery (Case study of Jobaji-Ramhormoz ancient site). *Bāstān-šenāsi-ye Irān* (Archeology of Iran), 6(2), p. 29. [In Persian]

### Interviews

- “Goftegu bā Ostād Fazlollāh Movahhedi piškesvat-e xayycti dar Rāmhormoz va šāer” (Interview with Master Fazlollah Movahedi, a veteran tailor in Ramhormoz and poet). (1402/2023). [interview]. Interviewed by Mohammad Ali Behvand Yousefi.



***Haft-e-nāme-ye Rāmhormoz-nāmeḥ***: <https://ramhormoznamehnews.ir>. Shortened webpage address: <https://adr3.ir/Qmy5>. [In Persian]

Moazzen, Mohammad Esmael. (1402/2023). “Mosāhebeh bā Mohammad Esmāʿeel Moʾazzen” (Interview with Mohammad Esmael Moazzen). Interviewed by Sajjad Moazzen. [In Persian]

Sarkahaki, Fereydoun. (1391/2012). “Mosāhebeh bā Fereydoun Sarkahaki darbāre-ye āsiyāb-e ābi” (Interview with Fereydoun Sarkahaki about the water mill). Interviewed by Molayi. [In Persian]

### Online sources

Dāneš-nāme-ye Tārix-e Meʾmāri va Šahrsāzi-ye Irān (Encyclopedia of Iranian Architectural History), entry 19476. (1403/2024). Retrieved from <https://iranarchpedia.ir/entry/19476>. [In Persian]

Dāneš-nāme-ye Tārix-e Meʾmāri va Šahrsāzi-ye Irān (Encyclopedia of Iranian Architectural History), entry 24396. (1403/2024). Retrieved from <https://iranarchpedia.ir/entry/24396>. [In Persian]

Dāneš-nāme-ye Tārix-e Meʾmāri va Šahrsāzi-ye Irān (Encyclopedia of Iranian Architectural History), entry 25203. (1403/2024). Retrieved from <https://iranarchpedia.ir/entry/25203>. [In Persian]

Ghorbani, Omid. (7 October 2022). “Naqše-ye havāyi-ye Irān, az avvalin (qadimi-tarin) tā āxarin (jadid-tarin)” (Air map of Iran, from the first (oldest) to the last (newest)): <https://mapscale.ir>. Shortened webpage address: <https://adr3.ir/YWpP>. [In Persian]

Mirsalari, Araz. (1390/2011). “Šahr-e bāstāni-ye Rāmhormoz rā bešenāsim” (Let's get to know the ancient city of Ramhormoz). Retrieved from <http://simaaraz.Parsi-Blog.com>. [In Persian]

“Rāmhormoz-šenāsi va motāleʾāt-e tārixī-ye Xuzestvn” (Ramhormozology and historical studies of Khuzestan). (1398/2019). Retrieved from <http://hossein117.blogfa.com>. [In Persian]



**Thesis**

DERIU, D. (2004). "The photogenic city: Aerial photography and urban visions in Europe, 1914-1945". [Architectural History and Theory Doctoral thesis, The Bartlett Faculty of the Built Environment University College London]

